

متن پرسش

با سلام و تحیت خدمت استاد طاهر زاده: بابت راهنمایی که کردید ممنون و کاملاً درست می‌فرمایید که باید به مطالعه عرفان نظری به طور تفصیلی البته زیر نظر استاد خبیر پرداخت تا این مسایل به طور کلی واضح و فهمیده شود ولی بنده در وضعیتی و شرایطی هستم که امکان خواندن عرفان نظری ندارم ولی قصد دارم که در یکی دو سال آینده زیر نظر استاد شروع به خواندن عرفان کنم. ولی از شما خواهش‌مندم فقط به این دو سه سوال من تا جایی که امکان دارد به صورت مفصل پاسخ دهید و من هم دیگر در این مورد سوالی نمی‌کنم تا ان شاءالله خداوند توفیق بده در تحت اشراف یک استاد شروع به خواندن عرفان کنم. ۱. در جایی خواندم. ان اولیا الهی که علاوه بر جنبه سلوکی، عالم و درس خوانده هم باشند، وقتی که به کمال می‌رسند در عالم بقا که عرفا بر اساس سعه وجودی مقام دارند و هر که سعه بالاتری داشته باشد، در عالم بقا مقام بالاتری دارد؛ نسبت به اولیا الهی که درس خوانده نیستند و فقط به ضروریات دینی اکتفا کرده‌اند، اولیا درس خوانده در عالم بقا مقام بالاتری دارند. خواستم از شما بپرسم که آیا طبق این حرف، در عالم بقا سعه عرضی هم تاثیر زیادی دارد و آنهایی که با کسب علوم زیادی، سعه عرضی خود را زیاد کرده‌اند، مقام بالاتری دارند؟ ۲. آیا سعه ذاتی همانند سعه عرضی، تغییر می‌کند و یا زیاد می‌شود؟ ۳. مقام عرفا در عالم بقا بر اساس سعه ذاتی است یا سعه عرضی یا هر دو با هم تاثیر دارند؟ ۴. آیا خداوند سعه وجودی بالایی دارد ولی دیگر سعه کمی؟ یا اینکه خود حکمت و علم خود تعیین کرده که مثلاً یکی سعه وجودی بالایی دارد ولی دیگر سعه کمی؟ یا اینکه خود شخص در همان عالم الست و عالم قبل از دنیا، سعه و عین ثابت خود را تعیین کرده که مثلاً من در دنیا سعه بالایی دارم و دیگری سعه پایینی انتخاب کرده؟ یا اصلاً هیچکدام نیست و اینطور است که امکان ذاتی هر انسانی فقط در یک عین ثابت مشخصی می‌تواند لباس وجود را به تن کند و به دنیا بیاید و در غیر آن سعه و عین ثابت نمی‌تواند به این دنیا بیاید و لباس وجود به تن کند؟ کدام یک از این تقریرها درست است؟ ۵. اگر افراد با کسب علوم می‌توانند سعه عرضی خود را زیاد کنند و در عالم بقا مقام بالاتری داشته باشند، خواستم از شما بپرسم مگر نه علوم بی‌نهایت هستند پس یعنی شخص می‌تواند همینطور سعه وجودی خود را زیاد کند؟ مگر عین ثابت محدود کننده سعه وجودی نیست که اجازه می‌دهد سعه انسان تا حدی رشد کند. پس چگونه است؟ در دفعه قبل به این سوال آخر جواب دادید ولی مقداری مبهم بود. لطفاً اگر ممکنه مقداری مفصل‌تر مطلب را باز کنید. با تشکر. خواهش می‌کنم اگر می‌شود از جواب دادن سوالات دریغ نفرمایید.

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- علم واقعی که نظر به حقیقت دارد، مسلّم انسان را در دنیا و آخرت وسعت می‌دهد و با جان انسان متحد می‌گردد و لذا دیگر عرضی و ذاتی در میان نمی‌ماند. بر عکس اطلاعات، که همه‌ی این‌ها تا دم برزخ هست و از آن به بعد، مائیم و عقاید و اراده‌های ما ۲- انسان‌ها در قیامت با چیزهایی روبه‌رو می‌شوند که فکرش را هم نمی‌کردند و به یک معنا برایشان رفع حجاب می‌شود و با تجلیات جدیدی روبه‌رو می‌گردند به همان معنایی که قرآن می‌فرماید: «بَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ» (۴۷/ زمر) برای آن‌ها از طرف خدا چیزهایی آشکار می‌شود که حسابش را هم نمی‌کردند. ۳- هر دو موجب تجلیات جدید می‌شود ۴- امکان ذاتی هر شخص مشخص است و در آن محدوده می‌تواند سیر کند. مثل این‌که یک زن در محدوده‌ی زن بودن خود به کمالات عالی‌ه‌اش دست پیدا می‌کند، ولی نمی‌تواند مرد شود و برعکس ۵- عرض شد قلب انسان، ظرفیت گرفتن بی‌نهایت تجلیات الهی را جهت قرب دارد و محدودبودن عین ثابته، در رابطه با سیرِ اِلی الله نیست؛ این راه برای هرکس باز است. موفق باشید